

پیشخوان بین الملل



تیتر نخست لومانیته فرانسه: «نتانیاھو، باعث قحطی در غزه»؛ با محاصره‌ای که دولت اسرائیل از ۲ مارس در غزه اعمال کرده، گرسنگی به عنوان سلاح جنگی علیه مردمی که از قبل هم آسیب دیده بودند، مورد استفاده قرار می‌گیرد. جامعه بین‌الملل وظیفه دارد به این جنایت ادامه‌دار پایان دهد.

نمای روز



رژیم صهیونیستی با پرتاب ۴۰ بمب سنگرشکن به اطراف بیمارستان اروپایی در خان یونس، حمله‌ای سنگین انجام داد که به شهادت دست‌کم ۵ نفر انجامید. هدف ادعایی این حمله، محمد سنوار، فرمانده حماس بوده است.

خبر متفاوت



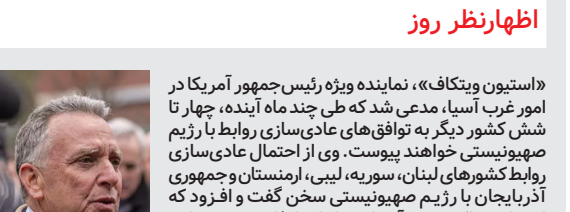
با وجود حرمت فقهی دست دادن زن و مرد نامحرم در عربستان، در دیدار ترامپ با مقامات سعودی، برخی دیپلمات‌های زن عربستان با او دست دادند؛ رفتاری نادر که همچنان در جامعه مذهبی عربستان حساس و استثنایی تلقی می‌شود.

قاب بین الملل



بنیامین نتانیاھو نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی، در دفتر خود در قدس اشغالی با فرانک والتر اشتاین مایر، رئیس‌جمهور آلمان دیدار کرد.

اظهارنظر روز



«استیون وینکاف»، نماینده ویژه رئیس‌جمهور آمریکا در امور غرب آسیا، مدعی شد که طی چند ماه آینده، چهار تا شش کشور دیگر به توافق‌های عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی خواهند پیوست. وی از احتمال عادی‌سازی روابط کشورهای لبنان، سوریه، لیبی، ارمنستان و جمهوری آذربایجان با رژیم صهیونیستی سخن گفت و افزود که ایران و باکو نیز در آستانه حل اختلافات هستند. این ادعاها در حالی مطرح می‌شود که جنایات ۱۸ ماه اخیر رژیم صهیونیستی در نوار غزه موجی از خشم جهانی و درخواست‌ها برای تحریم و انزواي این رژیم در پی داشته، اما آمریکا همچنان با وعده‌های سیاسی تلاش دارد کشورهای بیشتری را به پیوستن به توافق‌نامه‌های موسوم به ابراهیم ترغیب کند.

عادی‌سازی بابهای سنگین

دیدار ترامپ با جولانی، نه صرفاً اقدامی دیپلماتیک، بلکه آغاز فصل جدیدی از جاه‌طلبی‌های منطقه‌ای واشنگتن با پیامدهایی نگران‌کننده برای ساختار قدرت در سوریه و منطقه غرب آسیاست

فاطمه ملک‌زاده

international@khorasannews.com

در اقدامی که به‌ظاهر پایان تحریم‌های چنددهه‌ای سوریه را نوید می‌دهد، دونالد ترامپ با احمد الشرع معروف جولانی، رئیس حکومت جدید سوریه، در ریاض دیدار کرد؛ نشست‌بی‌حضور محمد بن سلمان و ارتباط تصویری‌رجب طیب اردوغان. اما این دیدار صرفاً نقطه عطفی در روابط دمشق و واشنگتن نیست، بلکه نشانه‌ای‌چرخش خطرناک در سیاست ایالات متحده است. ترامپ با وعده لغو تحریم‌ها، پنج شرط کلیدی را مطرح کرد: ۱- امضای توافق‌نامه ابراهیم بارژیم صهیونیستی؛ ۲- همه‌تورویست‌های خارجی بخواهد که سوریه را ترک کنند؛ ۳- گروه‌های فلسطینی را اخراج کند؛ ۴- به ایالات متحده کمک کند تا از ظهور مجدد داعش جلوگیری کند؛ ۵- مسئولیت بازداشتگاه‌های داعش در شمال شرقی سوریه را بر عهده بگیرد. پیشنهاد لغو تحریم‌ها که در سخنرانی ترامپ به‌صورت عمومی اعلام شد، ناشادی خیابانی در سوریه همراه شد و تقویت ۳۳ درصدی ارزش لیره سوریه را در بازار آزاد به دنبال داشت. اما آن‌چه در پس این وعده‌ها نهفته است، چیزی فراتر از بهبود شاخص‌های اقتصادی است؛ مسیری که ممکن است منجر به تنش‌های داخلی و منطقه‌ای شود.

جولانی، از تحت تعقیب تا میز مذاکره

دیدار با ابومحمد الجولانی، رهبر سابق گروه تحریر الشام و چهره‌ای که همچنان در وب‌سایت کاخ سفید تحت تعقیب تروریستی است، نقطه تاریک و مشکوک این تحولات است. جولانی تا مدت‌ها به‌عنوان شاخه رسمی القاعده در سوریه شناخته می‌شد. ایالات متحده در دو دهه اخیر هزاران نفر را به اتهام ارتباط با القاعده بازداشت یا کشته است، اما حالا، رهبر همان گروه پشت

به معنای پذیرش نفوذ بیگانگان، چشم‌پوشی بر چپاول منابع سوریه و حتی تساهل در برابر طرح‌های تجزیه طلبانه صهیونیست هاست. دونالد ترامپ با تأکید بر پیوستن سوریه به پیمان ابراهیم، عملاً مشروعیت منطقه‌ای سوریه را به عادی‌سازی روابط با اسرائیل گره زده است؛ اقدامی که می‌تواند واکنش‌های شدید داخلی و منطقه‌ای در پی داشته باشد. در عین حال، خروج گروه‌های فلسطینی از سوریه، از نگاه واشنگتن نه تنها اقدامی امنیتی بلکه بخشی از استراتژی حذف تدریجی محور مقاومت است. اما برای دمشق، اجرای این شرط ها به معنای دست‌شستن از بخشی از هویت تاریخی و سیاسی خود است؛ امری که اگرچه شاید دستاوردی اقتصادی کوتاه‌مدت داشته باشد، اما در بلندمدت می‌تواند منجر به شکاف درونی در حاکمیت نوباو خودخوانده جولانی شود.

مانور تبلیغاتی در دوحه

رورد ترامپ به قطر و دیدار رسمی او با امیر این کشور را نمی‌توان صرفاً ادامه‌ای تشریفاتی بر سفر منطقه‌ای او دانست. تمیم بن حمد آل ثانی، امیر قطر، در حالی از رئیس‌جمهور آمریکا با الحنی آشتی‌جویانه استقبال کرد و او را «صلح‌دوست» خواند که بسیاری از تحلیلگران این اظهارات را بازتابی از مواضع همیشگی قطر در پیروی از منافع قدرت‌های بزرگ می‌دانند. گفت‌وگوهای انجام‌شده در کاخ سلطنتی دوحه، عمدتاً بر همکاری‌های اقتصادی، سرمایه‌گذاری و تجربه‌آموزی از میزبانی جام جهانی متمرکز بود، اما اظهارات ترامپ درباره ایران، سوریه و نقش آمریکا در آزادی گروگان‌های اسرائیلی، نشان می‌دهد که این سفر بیش از آن که تلاشی برای صلح باشد، نمایشی برای تثبیت چهره‌ای مداخله‌گر اما فعال از

ترامپ در آستانه رقابت‌های انتخاباتی آمریکا است. ترامپ در سخنانی صریح مدعی شد که بدون مداخله واشنگتن، گروگان‌های اسرائیلی در غزه زنده نمی‌مانند؛ ادعایی که می‌تواند پیام روشنی برای تل‌او‌یو و هشدار تلویحی برای ایران تلقی شود. همچنین تأکید او بر آمادگی برای لغو تحریم‌های سوریه، آن‌هم در کنار تمجید از نقش قطر، نشان می‌دهد که دوحه همچنان بیشتر نقش میزبان را بازی می‌کند تا میانجی واقعی. در حالی که امیر قطر از صلح گفت، این دیدار بیش از هر چیز به نفع جاه‌طلبی‌های ترامپ برای بازسازی چهره‌ای «صلح‌ساز» در منطقه و در عین حال بازیگر تعیین‌کننده در بحران‌های جهان بود؛ نقشی که نه‌از مسیر دیپلماسی پایدار، بلکه از طریق امتیاز دهی‌های هدم‌مند و پر هزینه دنبال می‌شود.

نظر سنجی روز

نتایج نظر سنجی «شاخص ادراک دموکراسی ۲۰۲۵» در بیش از ۱۰۰ کشور با مشارکت ۱۱۰ هزار نفر نشان می‌دهد که پس از بازگشت ترامپ به قدرت، محبوبیت جهانی آمریکا به شدت کاهش یافته است. این افت به‌ویژه در اروپا محسوس بوده و با سخنان توهین‌آمیز ترامپ علیه اتحادیه اروپا مرتبط دانسته شده است. ترامپ اکنون کم‌محبوب‌ترین چهره سیاسی جهان شناخته می‌شود و حتی از رهبران چین و روسیه نیز کمتر محبوب است. در مقابل، چین توانسته تصویر جهانی خود را بهبود بخشد و در برخی مناطق حتی از آمریکا پیشی بگیرد. همچنین اسرائیل به‌عنوان منفورترین رژیم جهان معرفی شده و نارضایتی از سیاست‌هایش، به‌ویژه در خاور میانه، به‌طور قابل توجهی افزایش یافته است. کاهش وجهه اسرائیل حتی در میان متحدان سنتی‌اش مانند آلمان نیز مشهود است و به اقدام نظامی این رژیم در غزه و کرانه باختری نسبت داده می‌شود.

با رسانه ها

گار دین نوشت: ترامپ به‌شدت از سیاست‌های دولت اسرائیل پیروی می‌کند. در حالی که او خواهان دریافت جایزه صلح نوبل است، این جاه‌طلبی شاید تنها فرصت باقی‌مانده برای تأثیرگذاری آمریکا بر توقف کشتار فلسطینیان در غزه باشد. نتانیاها با حمایت ترامپ، بار دیگر به راهبرد بمباران و محاصره غزه روی آورده. ترامپ نیز از سال بمب‌های سنگین به اسرائیل را از سر گرفته است. دادستان دیوان کیفری بین‌المللی اعلام کرده که احتمال تحقیق درباره این حملات به‌عنوان جنایات جنگی وجود دارد و ترامپ ممکن است به‌خاطر مشارکت در آن‌ها با اتهام‌همدستی مواجه شود. اگرچه بعید است ترامپ ناگهان حامی تشکیل دولت فلسطینی شود، اما تمایلات او برای دریافت نوبل و ثبت نامش در تاریخ، شاید بتواند او را به فشار بر اسرائیل برای پایان جنگ وادار کند.



ویرترین قدرت‌نمایی چین

درگیری هوایی اخیر هند و پاکستان، از سطح یک نزاع مرزی فراتر رفت و به رقابت قدرت‌های نظامی شرق و غرب تبدیل شد؛ رقابتی که چین در آن دست بالاتر را یافت

گروه بین الملل

international@khorasannews.com

درگیری‌های نظامی میان هند و پاکستان، دو قدرت هسته‌ای جنوب آسیا، دیگر تنهایی چالش دوجانبه نیست، بلکه به آوردگاهی برای تقابل فناوری‌های نظامی شرق و غرب تبدیل شده است. در سال‌های اخیر، این تقابل شکل یک میدان آزمایش واقعی برای تجهیزات پیشرفته و راهبردهای عملیاتی نوین را به خود گرفته و قدرت‌هایی مانند

نیروی هوایی پاکستان موفق شد پنج فروند از این هواپیماهای پیشرفته را ساقط کند. چنین موفقیتی برای پاکستانی‌ها، صرفاً یک پیروزی تاکتیکی نبود بلکه نشانه‌ای از تغییر موازنه نظامی منطقه‌ای بود.

برتری فناوری چینی در برابر تسلیحات غربی

پاکستان در این درگیری، برای نخستین بار به‌طور رسمی از جنگنده‌های J-۱۰C ساخت چین استفاده کرد و جنگنده‌های مشترک تولیدی با چین یعنی JF-۱۷ را نیز به کار گرفت. در حالی که هند با میلیارد‌ها دلار خرید از غرب، تلاش کرده بود برتری هوایی را حفظ کند، در میدان عمل با چالش‌هایی همچون تأخیر در پشتیبانی فنی، وابستگی شدید به قطعات و ناهماهنگی محیطی روبه‌رو شد. در حوزهدپدافند هوایی، هند از سامانه‌های بومی آকাশ‌ان‌جی و باراک-۸ بهره‌برد که دومی محصول همکاری با رژیم صهیونیستی است، در حالی که پاکستان از سامانه چینی HQ-۹B استفاده کرد که توانست عملکرد قابل‌توجهی در رهگیری اهداف هوایی هند نشان دهد. این عملکرد، حتی اعتبار فناوری‌های دفاعی غرب را نیز زیر سؤال برد.

عملکرد متفاوت پهپادهای ترکی و اسرائیلی

نبرد پهپادها نیز صحنه تقابل مهمی میان فناوری‌های غیرغربی بود. پاکستان با به‌کارگیری پهپادهای تهاجمی ترکیه‌ای نظیر «سونگار» و یک مدل ناشناخته، موفق شد حملات دقیقی با تلفات پایین انجام دهد، در حالی که پهپادهای اسرائیلی Heron TP که در اختیار هند بودند، در میدان نبرد دچار

اختلالات فنی، آسیب‌پذیری در برابر جنگ الکترونیک و ضعف در کنترل شدند. در برخی موارد، سامانه‌های الکترونیک پاکستان حتی موجب سقوط این پهپادها شدند. هند همچنین از پهپادهای انتحاری اسکای استرایکر استفاده کرد که توسط اسرائیل طراحی شده و در هند مونتاژ می‌شوند. اما کارایی این پهپادها نیز در برابر تجهیزات دفاعی پاکستان زیر سؤال رفته است. کارشناسان بر این باورند که تجربه ترکیه در جنگ‌های نامتقارن، از جمله در سوریه و قره‌باغ، موجب ارتقای عملیاتی پهپادهایش شده، در حالی که طراحی پهپادهای اسرائیلی بیشتر بر اساس ماموریت‌های شناسایی بلندمدت است و برای نبردهای شدید مرزی نظیر کشمیر کارایی کمتری دارد. در همین راستا، سامانه راداری EL/W-۲۰۹۰ فاکون هند، که توسط رژیم صهیونیستی طراحی شده و ادعا می‌شد یکی از پیشرفته‌ترین رادارهای جهان است، نتوانست در جنگ‌های ۲۰۱۹ و اخیر، کارایی مطلوبی از خود نشان دهد. همین ناکامی‌ها سبب شده که هند از ادامه خرید تسلیحات از اسرائیل دلسرد شود. از سوی دیگر، چین تنها به فروش جنگنده‌ها و سامانه‌های دفاعی به پاکستان بسنده نکرده و پهپادهای پیشرفته‌ای مانند Wing Loong-II و CH-۴ را نیز در اختیار اسلام‌آباد قرار داده است. همچنین سامانه HQ-۹P، معادل چینی S-۳۰۰ روسی، یکی دیگر از ابزارهای قدرتمند چین در زرادخانه پاکستان است. این همکاری نه‌تنها به تقویت توان دفاعی پاکستان منجر شده، بلکه اعتبار تسلیحات چینی در بازار جهانی را به طرز چشمگیری افزایش داده

است. در سطح راهبردی، چین از این فرصت برای معرفی و تست فناوری‌های جدید خود نیز بهره گرفته است. جنگنده نسل ششم JH-XX که به‌تازگی از آن رونمایی شده، با فناوری‌های پیشرفته‌ای مانند پهپانکاری، هوش مصنوعی و جنگ شبکه‌محور طراحی شده و رقابتی مستقیم با F-۳۵ آمریکا و سوخو-۵۷ روسیه را هدف قرار داده است. نکته مهم آن است که بر خلاف غرب، چین تمایل بیشتری به انتقال فناوری به پاکستان دارد و همین امر باعث شده که اسلام‌آباد در سال‌های اخیر به خرید تجهیزات چینی روی آورد و استفاده از جنگنده‌های آمریکایی مانند اف-۱۶ را کنار بگذارد.

سود پنهان چین از جنگ دیگران

بر اساس گزارش‌ها، پس از این درگیری نظامی، ارزش سهام شرکت‌های تسلیحاتی چین افزایش یافته، در حالی که تولیدکنندگان غربی مانند داسو (سازنده رافائل) با افت ارزش مواجه شده‌اند. این تغییرات نشان‌دهنده یک واقعیت مهم است: چین اکنون نه‌تنها به عنوان یک صادرکننده بزرگ تسلیحات در حال صعود است، بلکه در میدان نبرد نیز توانسته است عملکرد خود را به اثبات برساند. تنش اخیر میان هند و پاکستان، صحنه‌ای برای رقابت ژئوپلیتیکی میان شرق و غرب بود که در آن، چین با بهره‌گیری از فناوری‌های مقرون‌به‌صرفه، قابل‌اعتماد و در دسترس، توانست دست‌بالا را پیدا کند و الگویی برای کشورهایی که توسعه ارائه دهد که در جستجوی جایگزین‌هایی برای تسلیحات پرهزینه غربی هستند. این تحول می‌تواند توازن قدرت نظامی را در منطقه و حتی در سطح جهانی تحت تأثیر قرار دهد.